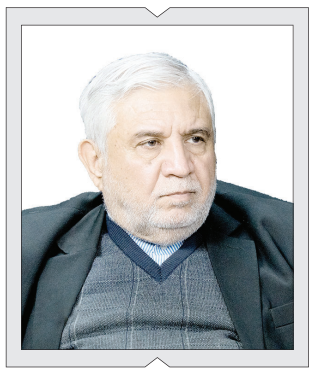
روزنامه شرق

یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵
۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۱۵ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۲۷
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان، در گفت‌وگو با «شرق»

«نه جنگ، نه صلح» ادامه پیدا می‌کند

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: دونباس در ازای عضویت در ناتو؟ • مصائب و چالش‌های رشته مطالعات زنان بررسی شد • پیش‌بینی آینده؛ وعده‌ای که علم نمی‌دهد/ امیراحمد شیشه‌گر

روایت «شرق» از گزارش جدید آژانس و مناقشه بر سر راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای ایران

کد جنگی رافائل

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید



سیاست‌های جدید دولت در زمینه بازار سوخت شمار قابل توجهی از اقشار را نگران ابهامات طرح‌های اجرائی کرده است

دغدغه بنزین ناتراز

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: علی شیرینه، میزان

برگزیده‌ها

«شرق» از جزئیات ردیف هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض مشترکان و نرخ‌های غیرشفاف آن گزارش می‌دهد

شوک به قبض برق

۳

روایت بازیکنان و خانواده‌های یک تیم بسکتبال زنان از شب واژگونی اتوبوس در مسیر آبادان و مصدومیت ۱۸ نفر

با بیل پای دخترم را از زیر اتوبوس بیرون آوردند

۵

دیدار ترامپ، پوتین و شی، خاطره تقسیم جهان را زنده می‌کند

سایه یالتا بر جهان

۴

هزاران پرواز لغوشده، مسافران سرگردان

فلج‌شدن آسمان آمریکا

۴

نگاه

جنگی که هنوز آغاز نشده اما در ذهن‌ها جریان دارد

یادداشتی از مهدی ملک‌محمد

۸

بیگانه‌ای در پاریس

یادداشتی از آرتین توکلی

۷

یادداشت

عدالت استانی برای توسعه مناطق محروم



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

رئیس‌جمهوری چند روز پیش در سخنانی خطاب به اعضای شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان گیلان گفت منابع متعلق به استان‌ها نباید در تهران یا مناطق دیگر هزینه شود، بلکه باید به همان استان بازگردد تا مدیران محلی مشکلات و نیازهای منطقه خود را برطرف کنند. این تذکر درست و بسیار خردمندانه را می‌توان ذیل سرفصل عدالت منطقه‌ای جای داد. در این باب نکات زیر ارزش تأمل بیشتر را دارند:

۱. هر یک از استان‌ها سهمی در تأمین منابع مالی دولت دارند و این امر کاملا معقول است که هر استانی حداقل به اندازه سهمی که در تأمین درآمد دارد، از این منابع استفاده کند. هرچند انتقال بخشی از درآمد استان‌های برخوردار به استان‌های محروم در قالب برنامه‌های خردمندانه محرومیت‌زدایی اشکالی ندارد، اما اینکه برخورداری یک استان محروم از منابع عمومی کمتر از سهمی باشد که در تأمین درآمد دارد، یک فاجعه تلقی می‌شود.

۲. اگر قاعده کلی بالا را بپذیریم، می‌توان آن را به رابطه شهرستان‌ها با مرکز استان هم تسری داد. به بیان دیگر منابع در اختیار استان هم باید با الگوی منصفانه‌ای بین شهرستان‌ها توزیع شود و مرکز استان با استفاده از اقتدار مدیریتی خود، سهم بیشتری را تملک نکند.

۳. عدالت منطقه‌ای فقط در شیوه تقسیم منابع عمومی خلاصه نمی‌شود. به‌عنوان مثال، هر منطقه‌ای سهمی در تأمین منابع اعتبارات بانکی دارد. بانک‌ها با فعالیت در سطح استان‌ها به گردآوری نقدینگی می‌پردازند و از همان منابع تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. حال باید پرسید آیا بانک‌ها به همان اندازه که از یک استان منابع نقدی گردآوری می‌کنند، به فعالان اقتصادی آن استان تسهیلات می‌دهند یا اینکه منابع مالی را به مرکز منتقل کرده و در اختیار مشتریان خاص و سفارش‌شده خود قرار می‌دهند؟

۴. اما مفهوم عدالت منطقه‌ای بسیار گسترده‌تر و فراتر است. موضوعی که در طول سالیان طولانی در کشور ما چندان مورد توجه سیاست‌گذاران و مقامات ارشد قرار نگرفته، سهم جوامع محلی و کانون‌های کوچک جمعیتی از منابع و معادن و ظرفیت‌های پیدا و پنهان پیرامون خودشان است. موقعیتی را در نظر بگیرید که معدنی در نزدیکی یک روستا برای بهره‌برداری با رعایت کلیه قوانین و نیز دریافت حقوق مالکانه دولتی واگذار شده است. صرف اینکه حقوق مالکانه این معدن به قول رئیس‌جمهوری به استان برگردد و در اختیار مدیران استانی قرار بگیرد، کافی نیست. آیا حق جامعه روستایی فقط این است که تخریب محیط زیست ناشی از این بهره‌برداری را همراه با گردوخاک و افزایش فشار ترافیکی بر منطقه تحمل کند و در مقابل فقط به این دل‌خوش باشد که چند نفر از جوانان روستا در این معدن استخدام شده‌اند؟ یا در یک گذرگاه مرزی که فرصت تجارت با کشور همسایه شکل می‌گیرد، آیا سهم جامعه محلی از چنین مزیت بزرگی فقط باید در این حد تعریف شود که گروهی از جوانان روستا با دریافت کارت پیله‌وری به خرید و فروش جزئی یا بدتر و ظالمانه‌تر از آن به کولبری بپردازند و منافع ناشی از این مزیت فقط به اقتصاد ملی و فعالان اقتصادی غیربومی تعلق بگیرد؟ بارها دیده شده که زمینی مرغوب در یک منطقه بدون در نظر گرفتن حقوق جامعه محلی مثلا با هدف ایجاد مجتمع کشت و صنعت به غیر واگذار شده است. طبعا تفکیک، قطعه‌بندی و تقسیم چنین زمینی بین اعضای جامعه محلی طرحی قابل دفاع نیست. اما جامعه محلی می‌تواند با سازماندهی در قالب تعاونی چندمنظوره، مدیریت چنین ظرفیت‌هایی را در اختیار بگیرد و حتی اگر بناست از امکانات سرمایه‌گذاری فراتر از توان منطقه استفاده شود، همین تشکل تعاونی می‌تواند با جلب مشارکت سرمایه‌گذاران غیربومی، هم حقوق جامعه محلی را به بهترین نحو صیانت کند و هم فرصتی برای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها فراهم بیاورد. اما چنین فرصت و اولویتی هرگز به جوامع محلی داده نشده است. مثال‌های فراوانی از این دست را می‌توان برشمرد که همه آنها از یک نظر شباهت انکارناپذیری با همدیگر دارند: «نادیده‌گرفتن حقوق جامعه محلی».

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

میوه‌های رسیده دیگران و قافیه‌های شعر ترامپ



مهرداد احمدی‌شیخانی

مدتی پیش مطلبی خواندم به نقل از نظامی گنجوی که در جایی از سروده‌هایش به گله آورده که حکیم ابوالقاسم فردوسی، هرچه داستان خوب در آثار پیشینیان بوده، برداشته و شاهنامه را سروده و برای ما چیزی نگذاشته و ما ناچاریم به باقی‌مانده این داستان‌های کهن برای سرودن اکتفا کنیم و ساختن روایتی جذاب از این باقی‌مانده قصص، کار بسیار شواری است. به‌واقع اشاره نظامی به آن سابقه تاریخی در داستان‌سرایی است که گویا همه آنچه در شاهنامه آمده، داستان‌هایی از پیشینیان است و فردوسی همان داستان‌های گذشتگان را از منظر خود و حکمتی که داشته، به نظم درآورده است؛ چنان‌که قبل از او، خدای‌نامه و شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه دقیقی طوسی وجود داشته و فردوسی آنها را خوانده و حتی ابیات شاهنامه دقیقی طوسی را عینا در شاهنامه خود آورده است و گله و حسرت نظامی به همین اشاره دارد که فردوسی حکایت‌های محبوب‌تر و جذاب‌تر را برگزیده و آنچه برای نظامی مانده، بخش دشوارتر و سخت‌تر داستان‌های کهن است. درست انگار به میوه‌فروشی بروید و ببینید که مشتری قبلی میوه‌های درشت‌تر، بهتر و رسیده‌تر را سوا کرده و برده و شما ناچارید از بین میوه‌هایی که به‌جامانده، بگردید و چند میوه به‌دردبخور را پیدا کنید و اگر میهمان داشته باشید، با همین میوه‌ها که بار مطلوب شما نیست، میهمانی آبرومندی برگزار کنید. این دقیقا وضعیتی است که نظامی گنجوی سعی دارد با بیان گله و حسرت خود، بیان کند که انگار مسابقه را از ۱۰ متر عقب‌تر از خط شروع فردوسی آغاز کرده است. حالا فکر کنید یک نفر، نه قصه‌ای محبوب برایش مانده باشد و نه خودش مانند نظامی گنجوی صاحب استعداد، ذوق، هوش و توانمندی باشد، آن‌وقت بخواهد داستانی که نه جذابیتی دارد و نه جای تخیل، به نظمی درآورد که توانش را هم ندارد؛ در نتیجه، حاصل کارش به هیچ مانند خواهد شد و هر جا هم که نتیجه کارش را عرضه کند، قطعا با تمسخر و تحقیر روبه‌رو می‌شود و این دقیقا وضعیتی است که امروز ترامپ دچار آن است. چرا این را می‌گویم؟ دلیلش را در ادامه یادداشت خواهم گفت.

وسلی کلارک، فرمانده اسبق پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۲۰۰۴ بود. او در برنامه‌ای تلویزیونی می‌گوید: «۱۰ روز بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر، تصمیم گرفته می‌شود که بدون وجود هیچ مدرک مستندی از رابطه عراق با آن واقعه و القاعده، به این کشور حمله شود؛ چون آمریکا غیر از قدرت نظامی چیزی ندارد و این قدرت مانند یک چکش است که باید از آن استفاده کرد و با آن ضربه بزنیم. برای همین آمریکا تصمیم به اشغال هفت کشور شامل عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران گرفت». این طرح اشغال هفت‌کشوری با حمله ۲۰۰۳ به عراق آغاز می‌شود و جالب اینکه حمله به شش کشور، هم در دوره کنترل کاخ سفید توسط جمهوری‌خواهان و هم زمان کنترل کاخ سفید از سوی دموکرات‌ها انجام می‌شود. در این چند سال و به‌خصوص در این یک سال و نیمی که در عمل شاهد تجاوز نظامی و طراحی و اجرای عملیاتی به سبک عملیات بنغازی در لیبی و عملیات درعا در سوریه برای راه‌اندازی جنگ داخلی در ایران بودیم، بارها در گفت‌وگوهایی که با اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف داشتم، بر این نکته تأکید می‌کردند که «آدمی مثل اوباما، با فرد خودشیفته‌ای همچون ترامپ تفاوت دارد»؛ در حالی که دو جنگ لیبی و سوریه در زمان اوبامای دموکرات انجام شد، همان‌طور که جنگ علیه عراق نیز در دوره جورج بوش پسر جمهوری‌خواه رخ داد. در دوره کلینتون نیز جنگ سودان رخ داد. جورج بوش پدر هم که جنگ اول خلیج فارس را راه انداخت. البته ماجرای عملیات طبس هم در زمان جیمی کارتر که معروف به طرفداری از حقوق بشر است، اتفاق افتاد که ناکام ماند. به عبارتی، هیچ‌کدام از رئیس‌جمهورهای آمریکا، از هر حزبی که باشند، چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه، اصلا در به‌کاربردن قدرت نظامی تردید نمی‌کنند؛ حالا می‌خواهد ترامپ باشد یا اوباما. فرق‌شان فقط این است که قبل از ترامپ، رئیس‌جمهورهای دیگر میوه درشت‌تر و رسیده را انتخاب کرده بودند و به ترامپ چیزی رسید که دیگران عقلش را داشتند که واردش نشوند و از قبول حمله به ایران شانه خالی کنند. گله ترامپ هم همین است که «من کاری را کردم که دیگران باید می‌کردند و نکردند»؛ وگرنه همه قبلی‌ها هم جنگ راه انداختند، ولی قصه‌های ساده‌تر و سرراست‌تر را برداشتند. حالا قصه سخت ایران به ترامپ رسیده که حتی جورج بوش پسر که کاسترو در موردش گفته بود «امیدوارم آن‌قدر که قیافه‌اش نشان می‌دهد، احمق نباشد» هم با اینکه خودش ایران را در محور شرارت قرار داد، حاضر به ورود به جنگ با آن نشد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

کتاب، حافظه جمعی و سیاست خاطره



روزبه کردونی

فانتین را به یاد می‌آوریم، حتی اگر جزئیات تاریخ اجتماعی فرانسه قرن نوزدهم را ندانیم. کوزت را به خاطر داریم، بی‌آنکه نام همه کارخانه‌ها و محله‌های فقیرنشین پاریس را خوانده باشیم. ژاور برای ما فقط یک مأمور قانون نیست؛ صورت قانونی است که آن‌قدر در قواعد خود محکم شده که انسان را نمی‌بیند و ژان‌والژان، پس از این همه سال، همچنان یک پرسش زنده است: آیا آدمی می‌تواند از گذشته‌اش عبور کند و دوباره آغاز شود؟ این کتاب است که این معجزه‌گری را انجام می‌دهد و تاریخ را از گزارش‌ها، آمارها و تقویم‌ها بیرون می‌آورد و در سرنوشت انسان‌ها می‌نشاند. «بینوایان» گزارش فقر نیست؛ فقر را به چهره فانتین بدل می‌کند. از کودکی بی‌پناه حرف نمی‌زند؛ کوزت را پیش‌روی ما می‌گذارد. از عدالت و قانون سخن نمی‌گوید؛ ما را میان ژاور و ژان‌والژان قرار می‌دهد تا خودمان درباره نسبت قانون، رحمت و انسان داوری کنیم. کتاب‌ها از این‌رو بخشی از حافظه جمعی‌اند.

ادامه در صفحه ۶

انا لله و انا الیه راجعون

به اطلاع دوستان و همکاران گرامی می‌رساند مراسم گرامیداشت یاد و خاطره مدیر تلاشگر عرصه جهاد سازندگی و ایثار دفاع مقدس

زنده‌یاد مهندس رضاقلی ضرغامی

دوشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۵ از ساعت ۱۳ تا ۱۴:۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌شود. حضور ارزشمند و تسلی‌بخش شما سروران ارجمند موجب آرامش خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

خانواده‌های ضرغامی و حیدری

سرمقاله

محاصره اقتصادی آمریکا و پیوستن افکار عمومی اروپایی



کیومرث اشتریان

تحلیل مضمون مواضع دو هفته اخیر چهار مقام ارشد دولت آمریکا درباره ایران و تنگه هرمز از سویی و تحرکات رسمی-رسانه‌ای در اروپا در موضوع حملات سایبری به سامانه‌های سردخانه‌ای غذایی در اروپا نشان از تلاش برای تهییج افکار عمومی اروپا برای هماهنگی با آمریکا دارد.

الف- مقامات آمریکایی

نظم گفتاری، تکرار، تحقیر و هماهنگی معنایی مواضع آمریکایی‌ها در چهار سطح است: ترامپ؛ صورت‌بندی سیاسی و راهبردی منازعه و تعیین خطوط قرمز. هگزت؛ صورت‌بندی نظامی، بازدارندگی و کنترل عملیاتی. اسکات بسنت؛ فشار اقتصادی، محاصره مالی و محدودسازی منابع ایران. روبیو؛ صورت‌بندی دیپلماتیک، بین‌المللی و ائتلاف‌سازی. نکته مهم این است که ترامپ، بسنت و روبیو، هر سه بر استفاده از ابزارهای غیرنظامی به‌جای ازسرگیری جنگ وسیع و تداوم فشار بدون جنگ گسترده تأکید کرده‌اند و این برخلاف جریان رسانه‌ای است که حمله نظامی را قریب‌الوقوع می‌داند. اثر روانی این جریان رسانه‌ای که از خارج و داخل ایران دامن زده می‌شود، بیش از خود حمله بوده و هدف آن بی‌ثباتی روانی-اقتصادی جامعه ایرانی است (تحلیل مضمون تفصیلی در اینجا نیامده است). در این راستا، دو اقدام مهم وزارت خزانه‌داری عبارت‌اند از هدف قراردادن آنچه که وزارت خزانه‌داری آمریکا، «شبکه جهانی تقلب دریایی» نامیده است که از حکومت ایران حمایت می‌کند و تحریم هشت شرکت خدمات انتقال پول در کانادا و قطع دسترسی MEXC Global به نظام مالی آمریکا به اتهام تسهیل فعالیت‌های مالی مرتبط با ایران. اگر به‌تنهایی همین اظهارات را مبنا قرار دهیم، نشان از استراتژی «خفگی اقتصادی» و سپس در گام بعدی «آمادگی برای حمله نظامی» دارد و نه برعکس. یعنی فضاسازی حمله قریب‌الوقوع نیز در راستای همان بی‌ثباتی روانی-اقتصادی ایرانیان است. ترکیب سخنان این مقامات نشان‌دهنده تأکید بر راهبرد اقتصادی است:

- تبدیل کنترل تنگه هرمز به ابزار اعمال حاکمیت راهبردی
- جایگزینی جنگ گسترده با محاصره اقتصادی و مالی
- بین‌المللی‌سازی منازعه و تقسیم هزینه امنیت هرمز
- معرفی امنیت تنگه به‌عنوان منفعت جهانی (درخواست مشارکت کشورهای اروپایی و آسیایی، استفاده از گروه هفت برای ایجاد اجماع سیاسی و اقتصادی، تلاش برای تبدیل فشار آمریکا به اقدام جمعی)
- روایت پیروزی و فرسودگی ساختاری ایران در نتیجه استراتژی حفظ تنش، گسترش آن به اروپا و جهان بدون بازگشت به جنگ تمام‌عیار. این مهم‌ترین نتیجه‌ای است که از مجموع تحلیل مضامین به دست می‌آید.

مهم‌ترین نکته در مواضع دو هفته اخیر این است که آمریکا در حال برجسته‌کردن این تصور است که برای دستیابی به اهداف خود در قبال ایران، لزوما به جنگ گسترده و مستمر نیاز ندارد. در این چارچوب، محاصره دریایی، فشار مالی، محدودسازی درآمدهای ارزی و ائتلاف‌سازی بین‌المللی می‌توانند به‌صورت مکمل عمل کنند. تهدید نظامی نیز به‌عنوان پشتوانه این فشار حفظ می‌شود.

ب- اتحادیه اروپا

در بیانیه مشترک گروه هفت در ۱۱ نوامبر، وزیران خارجه گروه هفت اعلام کردند در صورت نبود راه‌حل دیپلماتیک، محدودسازی اقتصادی و سیاسی ایران را ادامه خواهند داد و از ابتکار دفاعی چندملیتی به رهبری فرانسه و بریتانیا برای تسهیل بازگشت تردد دریایی حمایت کردند. این بیانیه نشان‌دهنده تبدیل مواضع دولت آمریکا به یک چارچوب جمعی است. در این راستا، موضوع مهم دیگری نیز در جریان است و آن حمله سایبری به سامانه‌های سرمایشی فروشگاه‌های مواد غذایی اروپاست. این حملات از سوی هر کشوری که انجام شده باشد، اثری جز خدمت به آمریکا و اسرائیل ندارد و بی‌دلیل مردم اروپا را در معرض تهدید امنیت غذایی قرار می‌دهد. ایران باید صریحا این مهم را در دستور کار خود و مجامع بین‌المللی و اروپایی قرار دهد تا از این اتهام مبرا شود. موجی در اروپا درباره این موضوع برخاسته است و از مقامات رسمی تا گزارش‌های قضائی، گزارش نهادهای تخصصی، گزارش روزنامه‌ها و رسانه‌های معتبر اروپایی، همگی در پی بررسی ماجرا هستند. در اروپا با توجه به تکثر سیاسی-رسانه‌ای این امکان وجود دارد که ایران بتواند به‌صورت فنی و تخصصی از خود رفع اتهام کند.

ادامه در صفحه ۴